



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۴/۰۵



سیدهاشم سدید

از "نقد ستون علم" چه آموختیم!؟

تردیدی نیست که سخنان عبث و ناسنجیده آقای ناشناس سبب رنجش و تخریش دل و دماغ تعداد زیادی از هموطنان ما، به خصوص هموطنان پشتون ما و آنانی که به زبان و تاریخ، و سائر ارزش های فرهنگی - ملی - مذهبی شان، صرف نظر از اینکه پشتون هستند یا هزاره و تاجیک و ازبک و... یا هندو و مسلمان علاقه خاصی دارند، گردیده است.

من شخصاً، همان گونه که دیگران در برابر سخنان آزار دهنده وی عکس العمل نشان داده اند و از وی به نوعی شاک و گلاویه مند هستند، از این عمل آقای ناشناس، با همه احترامی که به وی و به هنرش دارم، هم شاک و هم تعجب افتادم که چرا چنین شخصی تحصیل کرده و باسواد، با داشتن مدرک دکترا و عالمی از تجربه، درست در سال هائی که انسان به پختگی کامل می رسد، بدون اینکه پیرامون یک قضیه مهم مطالعه کافی داشته باشند به حدس و گمان متوسل می شوند و موضوعی را به میدان می اندازند که می دانند از یک طرف صحیح نیست و از طرف دیگر می تواند موجب حساسیت شدید در میان وطنداران شان گردد.

من قسمتی از مصاحبه ایشان را در درجه ابراز نظریات پورتال افغان جرمن آنلاين، که با یکی از ژورنالیستان مجرب و آگاه بی بی سی، آقای اعظمی، نموده اند، خواندم. بعد از خواندن این مصاحبه به دو چیز فکر کردم: یکی اینکه چرا کند عاقل کاری که بار آرد پشیمانی، و دیگری، گفتیم: ای کاش هموطنان عزیز ما، غیر از دو سه نفری که با رعایت اصول نقد از نوشته آقای ناشناس نقد نموده اند، به همین شیوه با آقای ناشناس برخورد می نمودند و با ارائه اسناد و مدارک تاریخی، همانطور که ژورنالیست مذکور این کار را کرد، وی را درمانده و مجبور به اعتراف به این می کردند که سخنانش از روی مطالعه کافی و معتبر، و تحقیق و تحلیل و آگاهی کامل نبوده است و وی را ناگزیر از آن می ساختند که، حتی اگر به شکل ضمنی هم شده است، از این عمل ناپسند و تخریش کننده اش پوزش بطلبند.

من شخصاً از پورتال این انتظار را داشتم؛ زیرا پورتال افغان جرمن آنلاين بدون مبالغه و تعارف یکی از پر بیننده ترین سایت هائی است که در زیر سپهر جامعه افغانی وجود و فعالیت دارد و نه تنها افغان ها، که کسانی هم در ایران و تاجیکستان و کشورهای دیگر در اقصاء نقاط جهان آن را هر روزه با علاقه مطالعه می کنند. درج برخورد های بعضاً احساساتی و دور از قواعد نقد، که بیشتر به آواز، آهنگ ها، انتخاب شعر، هنر، تحصیل، سابقه سیاسی و یک سلسله مسائل دیگر مربوط می شود، آنهم در زمانی که مقاله زیبا، گویا و آموزنده آقای محمود فارانی، "نقد ستون علم" هنوز در بخش نوشته های انتخابی پورتال قرار دارد، به نظر من کاری نبود که بتوان آن را تأیید نمود و یا از آن تعریف و تمجید کرد.

نقد آقای مسعود فارانی که آقای سیستانی در یکی از نوشته های خویش آن را نقل نموده اند، با همه ایجاز و اختصار به زدن پتک سنگین آهنگر می ماند: یکی، و راست کننده همه کژی ها!
آقای محمود فارانی در نوشته "نقد ستون علم" به وضوح به چیستی و چگونگی نقد اشاره می کنند که من به چهار نکته از آن ها تمرکز می کنم:

یک: داشتن حق اظهار نظر در هر رابطه برای هر انسانی - با آنکه آنچه گفته یا نوشته می شود، می تواند اشتباه باشد.

دو: تنها به ارزیابی اندیشه و نظر پرداخته شود، به معنی دیگر، شخصیت و اهلیت گوینده یا نویسنده را باید به کناری گذاشت. مؤلف مرده؛ آنچه پیش روی ما است، سخن مؤلف است. باید سخن را واکاوید. مرده را نباید از قبر کشید!

سه: از تحقیر و توهین و درشت گوئی و تطویل کلام و پرداختن به چیز های غیر ضروری که شامل موضوع نقد نیست و یا بحثی جداگانه ای است، باید اجتناب گردد.

چهار: نقد باید شکل دیالوگ را داشته باشد، یعنی گفته ها را در حدود آنچه گفته شده است، به نرمی و بدون به حاشیه رفتن و به درازا کشاندن آن در برابر گفته ها قرار داد.

نوشته آقای محمود فارانی برای خیلی ها، هم برای آن هائی که از اصول نقد بی خبر هستند، می تواند رهنمود خوب و مفیدی باشد، هم برای کسانی که با اصول و منطق نقد آشنا هستند، ولی یا به علت جدی نگرفتن آن، آن را در خود نهادینه نساخته اند، یا این است که عادت به فراموش کردن چیزهای مهم و سودمند دارند. در هر حالتی لازمی تر آن خواهد بود که اثری را، اگر قابل نقد باشد، مورد نقد قرار بدهیم، یعنی با ارائه دلایلی معتبر و مستند هم خویش را بگوئیم و هم بدش را - تنها همین، بدون زیاد و کم!

می خواستم برای پرهیز از بحث های جنجالی و بگو - مگو های بعضاً تند و غیر ضروری یا هوائی از ذکر این مطالب صرف نظر کنم، اما با توجه به برخورد هائی که در جهان متمدن در چنین حالات میان اهل قلم و اندیشه صورت می گیرد و آنچه در میان ما رسم روزگار شده است، فکر کردم که سکوت در این مورد ستمی خواهد بود که هم بر خود روا خواهم داشت و هم به آنانی که هنوز، و فارغ از همه قواعد نقد، به همان شیوه های عهد دقیانوس با اندیشه ها بر می خورند.

در اخیر این نوشته می خواهم یک نکته را با خلوص نیت و صفای قلب به هموطن عزیز و خوب ما آقای حسیب الله خان به عرض برسانم و آن اینکه اگر به اصطلاح ایشان از کانال بینی خواندن کاستی می بود در هنر کسی، به احتمال بسیار زیاد استاد غلام علی خان، غزل سرای مشهور و محبوب پاکستان که علاوه بر پاکستان در هند، که سرزمین موسیقی اش می خوانند، و در افغانستان و در تعدادی از کشور های دیگر در شرق مورد احترام کسانی زیادی از جمله استادان و آهنگ سازان صاحب نام موسیقی در هند و پاکستان می باشند، باید بدترین آواز خوان جهان می بود!

نقد کنید، نه توهین و تحقیر و بدگویی و ترور شخصیت!!

پایان